

## نقش رعایت اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری در پیشگیری از نقض نظام‌مند حقوق محکومان

محمد کاظم بهروزی\*

محمد مهدی ساقیان\*\*

بهزاد رضوی فرد\*\*\*

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

### چکیده

اجرای احکام کیفری به‌عنوان مرحله نهایی فرآیند دادرسی، نقشی اساسی در تحقق عدالت کیفری و صیانت از حقوق محکومان ایفا می‌کند. هرگونه انحراف از اصول حاکم بر این مرحله می‌تواند به نقض نظام‌مند حقوق محکومان و تضعیف مشروعیت نظام عدالت کیفری منجر شود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، به بررسی نقش رعایت اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری در پیشگیری از نقض نظام‌مند حقوق محکومان می‌پردازد. در این راستا، اصول سرعت در اجرای احکام، فایده‌مندی اجرای مجازات، کرامت‌مداری و قانون‌مندی اجرای احکام به‌عنوان محورهای اصلی پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اجرای به‌موقع و بدون تأخیر احکام، ضمن جلوگیری از بلا تکلیفی محکومان، اثر بازدارندگی و اصلاحی مجازات را تقویت می‌کند. همچنین، توجه به فایده‌مندی اجرای احکام و هدفمندی مجازات‌ها، مانع از تحمیل رنج غیرضروری و بی‌ثمر بر محکومان می‌شود. از سوی دیگر، رعایت اصل کرامت‌مداری و پابندی دقیق به قانون در فرآیند اجرا، زمینه‌ساز پیشگیری از رفتارهای سلیقه‌ای، سوءاستفاده نهادی و نقض حقوق بنیادین محکومان است. در مجموع، نتایج پژوهش حاکی از آن است که نهادینه‌سازی اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری، علاوه بر تضمین حقوق محکومان، به‌عنوان سازوکاری مؤثر در پیشگیری از انحرافات سازمانی و ارتقای کارآمدی و مشروعیت نظام عدالت کیفری ایفای نقش می‌کند.

### واژگان کلیدی

اجرای احکام کیفری، حقوق محکومان، کرامت انسانی، قانون‌مندی، سرعت در اجرای احکام، فایده‌مندی مجازات.

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

m.k.behroozi@gmail.com

\*\* استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده

مسئول).

msaghian@ut.ac.ir

razavifard@atu.ac.ir

\*\*\* استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

## مقدمه

مرحله اجرای احکام کیفری، به‌عنوان واپسین و در عین حال حساس‌ترین مرحله فرآیند عدالت کیفری، نقشی تعیین‌کننده در تحقق اهداف مجازات و تضمین حقوق محکومان ایفا می‌کند. اگرچه دادرسی کیفری منصفانه معمولاً در مراحل کشف جرم، تعقیب و صدور حکم مورد توجه قرار می‌گیرد، اما تجربه‌های عملی و گزارش‌های نهادهای نظارتی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از موارد نقض حقوق محکومان نه در مرحله صدور حکم، بلکه در فرآیند اجرای آن رخ می‌دهد. این امر بیانگر آن است که اجرای احکام کیفری، صرفاً یک فرآیند فنی و اداری نیست، بلکه عرصه‌ای مهم برای سنجش میزان پایبندی نظام عدالت کیفری به اصول حاکم بر حقوق بشر و کرامت انسانی است.

به عبارت دیگر از مهم‌ترین مراحل فرایند کیفری مرحله اجرای احکام است و نتیجه مسیر پرفراز و نشیب رسیدگی به جرایم در آن مشخص می‌شود؛ زیرا از یک سو، زحمات تمامی کنش‌گران نهاد عدالت کیفری محقق شده، ابر نمی‌ماند و از سوی دیگر، با اجرای ضمانت‌اجراهای جزایی اهداف اساسی مجازات، یعنی بازدارندگی، اصلاح و بازپروری محکومان و در نتیجه مرحله احقاق حق به نفع جامعه و بزه‌دیده محقق می‌شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۹۳). در نظام‌های حقوقی معاصر، نقض حقوق محکومان در مرحله اجرای احکام غالباً به‌صورت پراکنده و فردی بروز نمی‌یابد، بلکه در قالب رویه‌های نادرست، ساختارهای معیوب و عملکردهای تکرارشونده نهادهای اجرایی نمود پیدا می‌کند؛ وضعیتی که می‌توان از آن با عنوان «نقض نظام‌مند حقوق محکومان» یاد کرد. چنین نقض‌هایی، فارغ از انگیزه‌های فردی مأموران، ریشه در بی‌توجهی به اصول بنیادین حاکم بر اجرای احکام کیفری دارد و می‌تواند به تضعیف مشروعیت نظام عدالت کیفری و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به آن منجر شود.

در این میان، رعایت اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری به‌عنوان چارچوبی هنجاری و الزام‌آور، نقش پیشگیرانه‌ای اساسی در مهار و کاهش نقض نظام‌مند حقوق محکومان ایفا می‌کند. اصولی نظیر سرعت در اجرای احکام کیفری، فایده‌مندی اجرای مجازات، کرامت‌مداری و قانون‌مندی، نه تنها تضمین‌کننده حسن اجرای آرای کیفری‌اند، بلکه به‌طور مستقیم با حفظ حقوق بنیادین محکومان و جلوگیری از بروز رفتارهای غیرقانونی، تحقیرآمیز یا غیرضروری در فرآیند اجرا ارتباط دارند. اصل سرعت در اجرای احکام کیفری، با جلوگیری از اطاله غیرموجه در اجرای مجازات، از تحمیل رنج‌های زائد و بلا تکلیفی محکومان پیشگیری کرده و زمینه تحقق به‌موقع اهداف مجازات را فراهم می‌آورد. در کنار آن، اصل فایده‌مندی اجرای احکام کیفری اقتضا دارد که اجرای مجازات واجد کارکرد اصلاحی، بازدارنده و اجتماعی بوده و از اعمال مجازات‌های

صرفاً آزاردهنده و فاقد توجیه عقلانی پرهیز شود. همچنین اصل کرامت‌مداری، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق کیفری نوین، تأکید دارد که محکوم، علی‌رغم تحمل مجازات، همچنان واجد شأن انسانی بوده و هرگونه اقدام اجرایی باید با احترام به کرامت ذاتی او صورت گیرد. نهایتاً اصل قانون‌مندی اجرای احکام کیفری تضمین می‌کند که تمامی اقدامات نهادهای مجری حکم، مستند به قانون، شفاف و قابل نظارت بوده و از خودسری و اعمال سلیقه‌های شخصی جلوگیری شود.

بر این اساس، مقاله حاضر درصدد است با تمرکز بر اصول چهارگانه یادشده، نقش پایبندی به اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری را در پیشگیری از نقض نظام‌مند حقوق محکومان مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که غفلت از هر یک از این اصول، چگونه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری رویه‌های ناقض حقوق محکومان شود و در مقابل، رعایت آن‌ها تا چه اندازه در ارتقای عدالت کیفری و تضمین حقوق انسانی افراد محکوم مؤثر است.

#### ۱. اصل قانون‌مندی اجرای احکام کیفری

اصل قانونی بودن حقوق کیفری یا اصل حکومت قانون بر فرایند کیفری، واجد دو جنبه ماهوی و شکلی است و در کنار اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق کیفری ماهوی، می‌توان از اصل قانونی بودن دادرسی‌ها در حقوق کیفری شکلی سخن به میان آورد. به دیگر بیان، جنبه ماهوی این اصل، همان اصل قانونی بودن جرم و مجازات است و جنبه شکلی آن، اصل قانونی بودن رسیدگی‌های کیفری است (خالقی، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۶) که در بردارنده قانون‌مندی اجرای احکام کیفری نیز هست. البته اصل قانونی بودن اجرای احکام کیفری، نافی تعیین برخی از جزئیات نحوه اجرای احکام در آیین‌نامه‌های قانونی نیست. همانند وضعیت کنونی کشور ما و وجود آیین‌نامه‌های مختلف اجرای احکام که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت؛ چراکه احصای دقیق و همراه با جزئیات همه مقررات ضروری اجرای احکام در قانون دشوار است. بدیهی است که ضوابط تعیین شده در آیین‌نامه‌ها نباید با مفاد قانون یا اصول مربوط اجرای آرای کیفری در تعارض باشد. از آن‌چه گفته شد، معلوم می‌گردد اصل قانون‌مندی اجرای احکام کیفری به این معنا است که اولاً نهادهای و مقامات اجرای حکم باید طبق قانون تعیین شوند و ثانیاً این مقامات باید در لوای قانون، آرای کیفری را اجرا نمایند.

اصل قانونی بودن، موجب حفظ و رعایت منافع اجتماعی نیز می‌شود؛ چراکه تعیین مناطق ممنوعه و غیرممنوعه رفتاری در پرتو اصل قانونی بودن جرم و مجازات، موجب گسترش روابط و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... بدون ترس از ضمانت‌اجراهای کیفری کلی و مبهم

می‌شود. قانونی بودن اجرای احکام نیز به نحو بهتری اهداف مجازات‌ها و حفظ نظم عمومی را برآورده می‌سازد. مبنای دیگر اصل قانونی بودن، اصل تفکیک قوا است. این وظیفه قانون‌گذار هر کشور است که به تدوین قوانین از جمله در حوزه حقوق جزا و تعیین اعمال مجرمانه و چگونگی اجرای مجازات‌ها پردازد و لذا تعیین جرم و مجازات و نحوه اجرای احکام بر عهده قضاوت و قوه قضاییه کشورها نیست، که اگر این‌گونه باشد خلاف مقتضیات اصل تفکیک قوا است (تقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۱).

بنای دیگر این اصل اجرای عدالت است؛ زیرا عدالت اقتضا می‌کند همگان در برابر قانون مساوی باشند و قاضی اجرای احکام نمی‌تواند نحوه اجرای حکم در مورد مجرمین با جرم مشابه را به دلخواه تغییر دهد. اصل قانون‌مندی یا قانونی بودن اجرای احکام کیفری، الزامات و تکالیفی را برای ساختار اجرا و همچنین شیوه اجرا ایجاد می‌کند. قانونی بودن ساختار اجرای مجازات و قانونی بودن شیوه اجرای مجازات، مهم‌ترین این الزامات است که در ادامه بررسی می‌شود.

#### ۱-۱. قانونی بودن نهاد اجرای مجازات

نخستین نتیجه حکومت قانون بر حقوق کیفری شکلی، اصل قانونی بودن نهادهای دادرسی در همه مراحل آن می‌باشد. به دیگر سخن، این فقط قانون‌گذار است که با تصویب قانون، نهادهای رسیدگی‌کننده به جرائم را مشخص می‌کند و بر همین مبنای هیچ سازمان یا نهادی غیر از آن که قانون‌گذار مشخص کرده، صلاحیت دخالت و رسیدگی به امور قضایی را ندارد. یکی از نهادهای عدالت کیفری، نهاد اجرای مجازات است و بنابراین قانونی بودن نهاد اجرای احکام کیفری یکی از اصول فرعی قانونی بودن دادرسی کیفری است. به هر روی، دستیابی به اهداف اجرای احکام کیفری که همان اهداف کیفر است، جز با اجرای آن ممکن نیست و هر حکمی نیز اصولاً با اجرای آن خاتمه می‌یابد و همان‌طور که در مراحل پیشین دادرسی اعم از کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی، اراده قانون‌گذار تعیین‌کننده است، التزام به اصل حکومت قانون در راستای اجرای عدالت، ملازمه با حاکمیت اراده قانون‌گذار در واپسین مرحله دادرسی نیز دارد و هم‌او باید به تعیین نهاد و مقامات صلاحیت‌دار برای اجرای احکام کیفری اقدام نماید. اصلی که قانون‌گذار ایران در ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری به آن توجه نموده و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، «معاونت اجرای احکام کیفری» و «قاضی اجرای احکام کیفری» را عهده‌دار این موضوع نموده است. لازم به ذکر است نهاد را می‌توان مجموعه‌ای از افراد دارای مهارت و تخصص و دانش کافی برای انجام یک وظیفه حرفه‌ای و فنی تعریف نمود و از آنجایی که هر یک از مراحل رسیدگی به جرم، کاملاً تخصصی هستند، بنابراین ضرورت دارد تا مجموعه‌ای از

افراد آموزش دیده و دارای مهارت و تخصص خاص در آن زمینه عهده دار انجام هر یک از مراحل رسیدگی به جرم باشند. ضمناً لازمه تحقق کامل اصل قانونی بودن نهاد اجرا، تعیین مقامات و افراد واجد صلاحیت نهاد اجرا از سوی قانون گذار است. یعنی قانون گذار باید مشخص کند چه اشخاصی وظیفه اجرای حکم را بر عهده دارند و وظایف و اختیارات هر کدام را نیز به صراحت تعیین نماید. قانون گذار ایران، به این مهم در ماده ۴۸۵ قانون پیش گفته توجه نموده و قاضی اجرا، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی را نیروهای انسانی اصلی معاونت اجرای احکام کیفری دانسته است.

### ۲-۱. قانونی بودن شیوه اجرای مجازات

اصل قانونی بودن دادرسی کیفری و روش رسیدگی به جرایم، به این مفهوم است که فرایند کیفری باید ضابطه مند باشد و بر مدار قانون حرکت کند. از همین رو، قانون گذار هم باید از پیش، شیوه رسیدگی به جرائم از هنگام کشف آن تا زمان اجرای حکم را مشخص نماید تا اقدامات اشخاص و نهادهای رسیدگی کننده به بزه و اجراکننده کیفر، سلیقه ای نباشد؛ چراکه بی قانونی یا اعمال سلیقه در فرایند دادرسی کیفری از یک سو موجب بی عدالتی و تبعیض بین شهروندان و از دیگر سو، موجب بی نظمی و تضییع آزادی ها و حقوق شهروندان می گردد (تقی زاده، ۱۳۹۴: ۷۶؛ میلانی، ۱۳۸۶: ۵۳).

بر اساس آنچه گفته شد، شیوه اجرای مجازات ها و مرحله اجرای احکام کیفری نیز در لوای اصل قانونی بودن دادرسی کیفری قرار می گیرد. اقتضای این اصل آن است که تمام اقدامات قاضی اجرای احکام و سایر عوامل اجرا، همچون مددکاران اجتماعی یا مأموران مراقبتی، باید منطبق بر مفاد رأی صادره و قانون باشد و در این رهگذر، هیچ شخصی اجازه ندارد مطابق میل شخصی خود اقدام به مجازات محکوم نماید. نکته ای که در پایان بحث از اصل قانونی بودن باید به آن توجه نمود، لزوم قانونی سازی مقررات اجرای احکام کیفری و خودداری از آیین نامه ای سازی آن است. چنان که آیین نامه ای کردن برخی از مقررات کیفری، با وجود شرایطی، به عنوان استثنائی بر اصل قانون مندی پذیرفته شده است. هر چند قانون گذار با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، تلاش های مطلوبی در جهت قانونی سازی مقررات اجرای احکام نموده، ولی همچنان شیوه اجرای بسیاری از مجازات ها به آیین نامه های اجرایی<sup>۱</sup> واگذار شده است. حال آن که جایگزین شدن آیین نامه ها به جای قانون، به اصول قانون مندی حقوق کیفری و تفکیک قوا خدشه وارد می نماید.

۱. آیین نامه های اجرایی مقرراتی هستند که به حکم صریح یا ضمنی قانون گذار و توسط مقامات صلاحیت دار برای تکمیل قانون وضع می شوند.

البته پیش‌تر هم گفته شد که فقط برخی از امور جزئی اجرای احکام و شیوه‌های اجرا، نیازمند آیین‌نامه اجرایی است.

## ۲. اصل کرامت‌مداری در اجرای احکام کیفری

در دنیای کنونی، توجه به کرامت انسانی شهروندان یکی از اصول اساسی قانون‌گذاری از جمله قانون‌گذاری کیفری محسوب می‌شود. تمرکز بر این اصل و الزامات آن، علاوه بر حقوق کیفری ماهوی، در حقوق کیفری شکلی نیز لازم است. بنابراین اصل کرامت‌مداری، در دادرسی‌های کیفری، از ابتدای تعقیب تا پایان اجرای احکام کیفری باید مورد نظر قرار گیرد.

به‌رغم اهمیت زیاد کرامت انسانی، تاکنون هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، آن را تعریف نکرده‌اند؛ لذا اندیشمندان سعی در روشن‌سازی معنای آن داشته‌اند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۸). کرامت انسانی خود به دو نوع دائمی و اکتسابی تقسیم می‌شود. کرامت ذاتی یا دائمی، آن نوع کرامت و بزرگی است که همه انسان‌ها بر مبنای انسان بودنشان و به واسطه توانایی تعقل و تفکر، استقلال و وجهه الهی که دارند، به‌طور طبیعی و همسان از آن برخوردار هستند. کرامت اکتسابی نیز آن کرامت و بزرگی است که به صرف انسان بودن به شخص تعلق نمی‌گیرد؛ بلکه او می‌تواند با تلاش و اراده خود و به واسطه استعدادها و توانایی ذاتی‌اش از آن بهره‌مند شود (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۰).

به هر روی، نظام‌های مختلف بین‌المللی، دو رویکرد و برداشت متفاوت از مفهوم کرامت انسانی را مطرح کرده‌اند. این دو، رویکرد و برداشت حق‌مدارانه از کرامت انسانی و رویکرد تکلیف‌مدارانه از آن هستند. براساس رویکرد حق‌مدارانه، کرامت انسانی یک حق از حقوق انسانی است. این حق به معنای رفتار با احترام و مناسب با شخصیت و منزلت انسان که در خود استعدادهای فراوانی نهفته دارد، تعریف می‌شود. همچنین در مفهوم ایجاد بستر مناسب جهت شکفتن ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان جهت رسیدن به کمال و نیز پشتیبانی از او در برابر موانع با مداخلات خودسرانه در راه رشد و کمال آمده است. اما براساس رویکرد تکلیف‌مدارانه، کرامت انسانی یک تکلیف است. این برداشت مطابق با نظام اخلاقی کانت بوده که در کتاب «بنیادهای ما بعد الطبیعه اخلاق» می‌نویسد: «با همه انسان‌ها به‌صورت برابر و به‌عنوان غایت بالذات رفتار کنید.» برآمد قانون اخلاقی کانت، آن است که تفاوت‌گذاردن بین انسان‌ها بر مبنای اوصاف تکوینی یا اعتباری، مثل ظاهر یا موقعیت اجتماعی، برخلاف کرامت ذاتی آن‌ها است. از این رو، کرامت انسانی هنگامی ظهور و بروز پیدا می‌کند که برای همگان دارای آثار اجتماعی، حقوقی و سیاسی باشد و این امر به‌عنوان یک تکلیف بر عهده همه انسان‌ها گذارده شده است. طبق تفاسیر فوق روشن است که عناصر و

مؤلفه‌های حقوق و تکالیف شهروندی مدرن نیز ریشه در مفاهیم حق‌مدارانه و تکلیف‌مدارانه کرامت انسانی در اسناد حقوق بشر دارد (شجاعی، ۱۳۹۴: ۲۷).

از این رو، بررسی جایگاه اصل کرامت‌مداری در اجرای احکام کیفری و تبیین آثار آن در پیشگیری از نقض نظام‌مند حقوق محکومان، ضرورتی انکارناپذیر در چارچوب سیاست جنایی انسانی و عدالت‌محور به‌شمار می‌رود. این قسمت درصدد است با تمرکز بر اصل کرامت‌مداری به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری، نقش آن را در تضمین حقوق محکومان و جلوگیری از بروز رویه‌های ناقض حقوق انسانی مورد تحلیل و تبیین قرار دهد.

## ۲-۱. الزامات اصل کرامت‌مداری در اجرای احکام کیفری

اصل کرامت انسانی در مرحله اجرای احکام کیفری، هم ناظر بر بزه‌دیده و هم بزه‌کار است؛ به گونه‌ای که حقوق این دو باید رعایت شود. به همین دلیل گفته شده عدالت کیفری متوازن، در بردارنده هم‌زمان حقوق بزه‌دیدگان، مجرمان و جامعه است. توجه متوازن به حقوق بزه‌دیدگان و بزه‌کاران، الگویی از پاسخ‌دهی به جرایم را متبادر می‌سازد که در آن بزه‌کار، عنصر اصلی و بزه‌دیده، عنصر فراموش شده دادرسی‌های کیفری نخواهد بود (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۳۲؛ چاووشی و کرامتی معز، ۱۳۹۷: ۱۰۷). به‌واقع، بزه‌دیده یکی از ارکان مهم پدیده‌های جنایی است. هرچند تا همین چند دهه پیش‌تر، به جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری توجه آن چنانی نمی‌شد، اما امروزه پدیدار شدن جنبش‌های بزه‌دیده‌شناسی و کاربست آموزه‌های آنان در فرایندهای کیفری که کاهش نرخ جرایم را در پی داشته است، جرم‌شناسان و بزه‌دیده‌شناسان را به سمت و سوی چشم‌اندازی جدید با عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان» سوق داده است (اختری و مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۸: ۴۲؛ زراعت، چاووشی و کرامتی معز، ۱۳۹۸: ۶۵).

دانش بزه‌دیده‌شناسی در پی ایجاد سازوکارهایی است که جایگاه بزه‌دیده را در فرایند اجرای عدالت کیفری، پررنگ‌تر و فعال‌تر نماید؛ چراکه حق مداخله و مشارکت در کیفردهی و چگونگی اجرای کیفر یکی از نیازهای اساسی بزه‌دیده است. البته بررسی نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف نشانگر آن است که کشورها چون تعیین کیفر را از حقوق خاص حکومت می‌دانند، با دخالت بزه‌دیده در تعیین کیفر موافقت ندارند؛ اما درباره چگونگی اجرای کیفر و کاربست نهادهای ارفاقی، دیدگاه بزه‌دیده نیز تأثیرگذار است (شیری، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

همچنین براساس آموزه‌های عدالت ترمیمی، بزه‌دیده خود تمایل دارد که در تعیین کیفر مجرم، تخفیف، تشدید، تعلیق کیفر، آزادی مشروط و عفو، دخالت و نظارت داشته یا حداقل از آن‌ها مطلع باشد. برای مثال در بعضی از کشورها، پیش از صدور حکم آزادی مشروط، نظر

بزه‌دیده اخذ و به او اطلاع‌رسانی می‌شود. در انگلستان هنگامی که فرایند بررسی اعطای آزادی مشروط به مجرم آغاز می‌شود، مسئولان اجرای حکم با بزه‌دیده ارتباط برقرار کرده و او را از این موضوع آگاه می‌کنند. هدف از این امر نیز آگاه‌سازی بزه‌دیده است و اینکه او از فرایند اجرای حکم مطلع شود و بداند به چه دلیل احتمالاً مجرم از آزادی مشروط استفاده خواهد کرد. در کشور آمریکا نیز جایگاه بزه‌دیده در اعطای آزادی مشروط به بزه‌کار اهمیت زیادی پیدا کرده است. به طوری که برخی قوانین ایالتی، دست‌اندرکاران اجرای عدالت را ملزم کرده است که پیش از اتخاذ هر تصمیمی در مورد آزادی مشروط، ابتدا با بزه‌دیده مشورت کنند (شیری، ۱۳۹۷: ۹۵-۹۶). ولی در حقوق کیفری ایران، در این موارد برای بزه‌دیده جایگاهی در نظر گرفته نشده است و چه بسا نهاد ارفاقی آزادی مشروط بدون اطلاع و دخالت او توسط قاضی اعطا گردد.

یکی از بسترهای نقش‌آفرینی فعال بزه‌دیده در اجرای آرای کیفری، داشتن حق انحصاری بر گذشت از جرم است. اعلام رضایت بزه‌دیده در این مرحله از دادرسی و با توجه به قابل گذشت بودن یا غیر قابل گذشت بودن بزه ارتكابی واجد آثار مختلفی است. به طوری که در صورتی که جرم قابل گذشت باشد، قاضی اجرا مکلف به صدور قرار موقوفی اجرا می‌باشد<sup>۱</sup> و چنانچه جرم ارتكابی، غیر قابل گذشت باشد، از موجبات تخفیف کیفر توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی خواهد بود.<sup>۲</sup> ضمن آن که در نظام حقوقی ایران بزه‌دیده در مورد اجرای کیفرهای قصاص یا مطالبه دیه یا عفو مطلق از قصاص یا عفو در برابر دیه یا صلح بر مبلغی بیشتر یا کمتر از دیه تا حدودی اختیار مطلق دارد.

در مورد تأمین امنیت بزه‌دیده نیز قانون‌گذار ایران مقررات مناسبی را تدوین نموده است. چنان‌که به موجب مواد ۹۷ و ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۳</sup>، مقام قضایی می‌تواند دستورات

۱. ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «در مواردی که مطابق مقررات اجرای رأی موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجرا صادر می‌کند.»

۲. ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه شاکی با مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف‌نظر کند، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدید نظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق‌العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می‌کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می‌دهد یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.»

۳. ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارایه گزارش به بازپرس هستند.»

لازم جهت حفاظت از بزه‌دیده و خانواده وی در مقابل تهدیدات احتمالی یا دستور عدم دسترسی به اطلاعات وی را صادر نماید و امکان اعمال این تدابیر در مرحله اجرا نیز توسط قاضی اجرای احکام کیفری وجود دارد. از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت قانون‌گذار ایران علی‌رغم توجه به حقوق بزه‌دیدگان در مرحله اجرای آرای کیفری، همچنان تا وضعیت مطلوب فاصله دارد. به گونه‌ای که به دو حق اساسی بزه‌دیدگان شامل ارائه دیدگاه‌ها و دل‌نگرانی‌های آنان و حق دریافت کمک‌های مادی، پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی توسط آن‌ها کمتر توجه شده است. برای مثال با توجه به مقررات موجود، اصولاً خدمات نهاد مددکاری اجتماعی در مرحله اجرا، ناظر به بزه‌کار می‌باشد و قانون‌گذار به صورت استثنایی به استفاده بزه‌دیده از خدمات این نهاد اشاره نموده است<sup>۱</sup> یا ارائه دیدگاه‌ها و دل‌نگرانی‌های بزه‌دیده، فقط در قالب نهادهایی مثل میانجی‌گری<sup>۲</sup> کیفری پذیرفته شده که یکی از اهداف آن، تخلیه عاطفی و روانی بزه‌دیده است که آن نیز اصولاً مربوط به پیش از مرحله اجرای حکم است<sup>۳</sup>.

ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رییس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود.»

۱. برای مثال تبصره یک ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱ مقرر می‌دارد: «سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی کننده، به بزه‌دیدگان موضوع این قانون خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند.» با مواد ۳۳، ۳۴، ۳۸ و ۴۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ بر پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و نقش مددکار اجتماعی در رابطه با آن‌ها تأکید دارد.

۲. ماده ۱ آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴/۰۸/۰۹: «میانجی‌گری فرایندی است که طی آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجی‌گر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد.»

۳. ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «در جرایم تعزیری درجه شش هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف با شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد...»

اسناد بین‌المللی بر رعایت حقوق محکومان، به‌ویژه محکومان زندانی تأکید دارند. از جمله طبق ماده ۵ اعلامیه اصول اساسی رفتار با زندانیان: «صرف نظر از محدودیت‌های ناشی از مسأله بازداشت، تمامی زندانیان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های اختیاری آن و دیگر حقوق مندرج در اسناد ملل متحد برخوردار خواهند بود.» بنابراین محکومان به‌واسطه کرامت انسانی خود از حقوق شهروندی عامی همچون حق رأی دادن، حق دادخواهی، حق داشتن وکیل، حق انجام معامله، حق بر کار، حق بر آموزش، حق بر سلامتی و معاینه پزشکی و حق بر ملاقات و ارتباط با دنیای خارج برخوردارند و کنشگران اجرای احکام موظف به رعایت این حقوق هستند (شجاعی، ۱۳۹۴: ۹۳-۱۱۵). برای نمونه حق بر سلامتی و معاینه پزشکی به‌عنوان یکی از حقوق محکومان در اجرای احکام کیفری محسوب می‌گردد؛ زیرا همانند انسان‌های عادی، سلامتی افرادی که مجرم شناخته شده و در حال تحمل کیفر هستند، شایسته احترام، حمایت و اجرا است.

چنان‌که مراقبت‌های بهداشتی از زندانیان، بخش جدایی‌ناپذیر و اساسی هر کار زندان است (Moller et al, 2007: 21). این حق در اسناد بین‌المللی<sup>۱</sup> و قوانین داخلی کشورها نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. در کشور ما، مواد متعددی از آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰ رئیس قوه قضائیه، به حق بر سلامتی زندانی اشاره می‌کند.

همچنین حق داشتن ارتباط با خانواده و دوستان از رهگذر ملاقات حضوری و یا به‌وسیله نامه، تلفن و سایر وسایل ارتباطی مجاز، از حقوق محکوم زندانی محسوب می‌شود و نمی‌توان او را به‌طور کلی از این حق محروم کرد. اهتمام مسئولان اجرای احکام کیفری و به‌ویژه زندان‌ها باید در جهت حفظ و گسترش روابط محکوم زندانی با خانواده‌اش باشد. اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها نیز از ارتباط بین محکوم و خانواده وی استقبال کرده و ضمن حفظ کرامت و حیثیت معنوی زندانی، حقوقی از جمله حق ارتباط با دنیای خارج که در اشکال مختلف ملاقات، مکاتبه، تماس تلفنی، پست

۱. اصل ۹ از مجموعه اصول اساسی مربوط به معالجه زندانیان بیان می‌دارد: «زندان‌ها باید به خدمات بهداشتی موجود در داخل کشور دسترسی داشته باشند بدون آنکه به خاطر وضعیت فضایی خود دچار تبعیض شوند». قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان در قاعده شماره ۲۴ بیان داشته که: «پزشک باید هر زندانی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از پذیرش وی در زندان و به دفعات ممکن و لازم پس از آن مورد معاینه قرار دهد. به‌ویژه به این منظور که بیماری جسمی و روحی احتمالی را در وی کشف و تدابیر لازم را اتخاذ کند.» در بند ۱ قاعده شماره ۲۵ آمده: «پزشک مسئول نظارت بر سلامت جسمانی و روانی زندانیان است. او باید هر روز زندانیان بیمار را ملاقات نماید؛ یعنی همه زندانیانی را که از بیماری شکوه دارند...».

الکترونیک و... جلوه پیدا می‌کند به آنان اعطا نموده‌اند (کویل، ۱۳۸۴: ۹۸).<sup>۱</sup> در همین رابطه، قواعد حداقل استانداردهای رفتار با زندانیان، حق هواخوری و پیاده‌روی در حیاط زندان با شرایط مقرر، به‌صورت روزانه، حق شرکت در مسابقات ورزشی خارج از زندان با رعایت تشریفات نظارتی و انتظامی و حق درخواست مرخصی در موارد معین در صورت اخذ شرایط و توافق کمیسیون‌های مربوطه را پذیرفته است (زهروی و سرگردان مغاللو، ۱۳۹۸: ۱۲۱). همچنین حق مشارکت زندانیان در فعالیت‌های علمی یا فرهنگی، امکان ادامه تحصیل برای زندانیان و ایجاد کتابخانه‌های متشکل از کتب متنوع آموزشی و... در حداقل استانداردهای رفتار با زندانیان مورد اشاره قرار گرفته است. از لحاظ ساختاری نیز، زندان‌ها باید دارای فضا و تراکم مناسب و بهداشتی باشد؛ زیرا تراکم بیش از حد و غیر بهداشتی بودن زندان‌ها، به نوعی عدم رعایت محکوم زندانی است.

در ایران، براساس آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و به‌منظور حفظ پیوند خانوادگی، ایفای تکلیف شرعی صله رحم و رعایت حقوق زندانی و خانواده او، مؤسسه تمهیدات لازم را برای ملاقات زندانی با همسر، فرزندان، پدر و مادر، خواهر و برادر و همچنین پدر و مادر همسر فراهم می‌آورد. ضمناً ملاقات دیگر بستگان و دوستان، خواهان و شاکی با زندانی، به‌صورت کابینی، به درخواست هر یک از ایشان، با موافقت مدیرکل زندان‌های استان یا قاضی اجرا و یا رئیس مؤسسه امکان‌پذیر است (ماده ۲۱۰ آیین‌نامه). ضمن آن که ملاقات الکترونیک و مجازی نیز پذیرفته شده است (ماده ۲۱۲ آیین‌نامه). محل و نحوه ملاقات زندانیان نیز متناسب با سن آنان و در صورت اقتضا ممکن است متفاوت با یکدیگر باشد (ماده ۳۰۸ آیین‌نامه). به‌منظور تسهیل ارتباط مددجو با خانواده یا در مواردی که مصالح وی اقتضا کند، انتقال وی از یک زندان به زندان دیگر امکان‌پذیر است (ماده ۳۰۹ آیین‌نامه). همچنین حق مکاتبه و ارسال نامه و ارتباط تلفنی زندانی در مواد ۲۲۳ تا ۲۳۲ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و استفاده از مرخصی به‌عنوان یک ارفاق قانونی در مواد ۱۹۴ تا ۲۰۹ آیین‌نامه مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت اینکه امور دیگری از جمله حق هواخوری<sup>۲</sup>، ادامه

۱. ماده ۳۷ قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان در این رابطه بیان می‌دارد: «زندانیان باید اجازه داشته باشند، تحت نظارت ضروری، با خانواده و دوستان خود در فواصل منظم از طریق نامه یا ملاقات حضوری ارتباط برقرار کنند». اصل ۱۹ از مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان نیز می‌گوید: «هر فرد بازداشت‌شده یا زندانی باید از حق ملاقات و مکاتبه با دیگران به‌ویژه اعضای خانواده خود برخوردار باشد و باید به او فرصت کافی برای تماس با دنیای بیرون داده شود. ضمن این که شرایط و محدودیت‌های تعیین‌شده توسط قانون یا مقررات قانونی باید در نظر گرفته شود».

۲. تبصره ۱ ماده ۶۴ آیین‌نامه: «حضور در هواخوری براساس برنامه مؤسسه است که حداقل دو نوبت در روز و مدت آن نباید کمتر از یک ساعت باشد».

تحصیل<sup>۱</sup>، داشتن کتابخانه<sup>۲</sup> و شرکت در مسابقات علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی<sup>۳</sup> نیز برای محکومان زندانی در نظر گرفته شده است.

## ۲-۲. انسانی سازی کیفرها

یکی از لوازم حفظ کرامت انسانی، دوری جستن از تعیین و اعمال مجازات‌های غیر انسانی بر مجرمان است. حق بر داشتن کرامت انسانی محکوم، از یک سو، به منع تعیین و اجرای کیفرهای غیر انسانی و موهن دلالت دارد و از دیگر سو، بر رفتار شایسته و با احترام نسبت به محکوم تأکید دارد. از این رو، هنگام تعیین کیفر، چه توسط مرجع قانون‌گذاری و چه توسط مقام قضایی و همچنین در زمان اجرای کیفر، نباید احترام و ارزش ذاتی انسان بزه‌کار به بوته فراموشی سپرده شود. به دیگر سخن، قانون‌گذاران باید از تعیین مجازات‌های خشن و غیرانسانی و موهن پرهیز کنند و کنش‌گران اجرای احکام، رفتار مناسبی با محکومان داشته باشند.

قانون‌گذار ایران به این مهم توجه نموده و اصل ممنوعیت اجرای علنی احکام را پذیرفته است. ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه بیان می‌دارد: «اجرای علنی مجازات‌ها ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان، اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند.» از دیدگاه علم کیفرشناسی، اجرای علنی مجازات‌های مستقیمی بر خانواده فرد مجازات‌شده وارد می‌کند و نه تنها موجب بازگشت او به‌عنوان انسانی صالح به جامعه نمی‌شود، بلکه تجربه تحقیر علنی، وی را در ارتكاب جرایم بعدی جسورتر می‌سازد؛ چراکه فرد،

۱. ماده ۸۸ آیین‌نامه: «سازمان مکلف است زمینه سوادآموزی و ادامه تحصیل زندانیان حسب مورد در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی را مطابق قوانین جاری کشور و امکانات سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مربوط فراهم کند...».

۲. ماده ۹۴ آیین‌نامه: «رئیس مؤسسه با جذب کمک و همکاری وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای عمومی غیردولتی و تشکل‌های مردم‌نهاد با رعایت استانداردهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با توجه به تعداد زندانیان، کتابخانه مجهزی حاوی کتاب‌های حقوقی، مجموعه قوانین علمی، مذهبی، اخلاقی، داستانی، ادبی، هنری، ورزشی و فنی را جهت استفاده زندانیان و مددجویان تأسیس می‌کند. زندانیان می‌توانند در ساعات مقرر در کتابخانه مطالعه کنند و با کتاب به امانت گیرند...».

۳. ماده ۹۶ آیین‌نامه: «اعزام زندانیان برای شرکت در مسابقات علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی خارج از مؤسسه در چارچوب سیاست‌های ابلاغی سازمان با تأیید شورای طبقه‌بندی و قاضی اجرا و نیز اخذ تأمین مناسب انجام می‌گیرد و در صورت عجز محکوم از تودیع تأمین مناسب، اعزام با موافقت قاضی اجرا و تحت‌الحفظ مأمورین یگان حفاظت مؤسسه به عمل می‌آید...».

پس از ازدست دادن پایگاه اجتماعی و حیثیت خود، دیگر واژه‌های از مجازات علنی ندارد (پورحسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

همچنین آن‌که اعمال شکنجه علیه مجرم، برخلاف کرامت ذاتی او است. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان تحت شکنجه و یا مجازات‌هایی قرارداد که ظالمانه یا بر خلاف انسانیت و شعور بشری یا موهن باشد.» در قوانین داخلی اصل ۳۸ قانون اساسی بیان داشته: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است...». طبق بند ۹ قانون حفظ حقوق شهروندی: «هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده، بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.»

علاوه بر موارد فوق، کنش‌گران اجرای احکام کیفری، حق رفتار خلاف شأن انسانی و موهن را نسبت به مجرم ندارند؛ زیرا او نیز همانند هر انسان دیگری دارای کرامت است. بر این مبنا، هیچ کس نباید مجبور به حمل دستبند یا پایبند شود؛ مگر در موارد استثنایی که خطری برای خود یا دیگران داشته باشد یا بیم فرار وی قوی باشد. بندهای ۶ و ۷ و ۸ قانون حفظ حقوق شهروندی به برخی از این ضوابط رفتاری اشاره نموده است. از جمله این‌که: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.» «بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و بانسختن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.» «بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.» بی‌تردید، این موارد باید در مرحله اجرای احکام کیفری نسبت به محکومان نیز مورد توجه قرار گیرد.

### ۲-۳. عدم تعرض به حریم خصوصی محکومان

حریم خصوصی، بخشی از زندگی هر انسان است که نمی‌خواهد دیگر انسان‌ها بدون رضایتش به آن وارد شوند یا اطلاعاتی از آن داشته باشند یا بر آن نظارت کنند یا به هر طریق دیگری آن را مورد تعرض قرار دهند (انصاری، ۱۴۰۳: ۳۸). به‌واقع، حریم خصوصی اصطلاحی است که مفاهیم گوناگونی از جمله کنترل بر جسم و جان، کنترل بر اطلاعات در مورد خود، آزادی تفکر و اندیشه، آزادی از بند نگاه‌ها و نظارت‌های دیگران، خلوت با خود و تنهایی، حمایت از شخصیت و آبروی خود و حمایت در برابر هر گونه تفتیش را در خود جای می‌دهد (محسنی، ۱۳۹۴: ۵۰۴). بر

همین اساس اندیشمندان حریم خصوصی را شامل حریم خصوصی جسمانی<sup>۱</sup>، حریم خصوصی ارتباطات<sup>۲</sup>، حریم خصوصی اطلاعات<sup>۳</sup> و حریم خصوصی اماکن<sup>۴</sup> می‌دانند.<sup>۵</sup>

حمایت از حریم خصوصی افراد، اختصاص به همه انسان‌ها دارد و در چرخه عدالت کیفری نیز باید از ابتدا تا انتها مورد توجه قانون‌گذار و دست‌اندرکاران اجرای عدالت باشد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، مجرم فقط مجرم است و به واسطه ارتکاب جرم، استحقاقی بیش از تنبیه و مجازات ندارد؛ بنابراین نمی‌توان محکومان کیفری را به بهانه ارتکاب جرم و اجرای مجازات، فاقد حریم خصوصی دانست؛ چراکه اصل کرامت انسانی محکوم، در بردارنده حق داشتن حریم خصوصی متناسب و عدم امکان تعرض به آن است. البته امکان دخالت قانونی در برخی از جنبه‌های حریم خصوصی محکومان، به مجریان دستگاه عدالت داده شده و آن هم به دلیل ذات مجازات‌ها و نوع اجرای کیفرها است.

شایان ذکر است «دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه» که با هدف «اهتمام بر رعایت اصول کرامت انسانی و تلاش در راستای گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» در تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۲ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده، مشتمل بر برخی از کدهای اخلاقی و الزامات رفتاری کرامت‌مدارانه با متهمان و محکومان است. برای نمونه طبق ماده ۹ این دستورالعمل: «در اجرای اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر منع هتک حیثیت افرادی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده‌اند، مراجع قضایی مکلف‌اند موارد زیر را رعایت کنند. الف: اجتناب از هرگونه رفتار تحقیرآمیز و موجب اذیت و آزار جسمی یا روحی و روانی یا بی‌حرمتی به متهمان یا محکومان؛ ب. اجتناب از هرگونه رفتار غیرقانونی یا سلیقه‌ای مانند تراشیدن سر، استفاده از پابند، چشم‌بند، پوشانیدن صورت، نشستن پشت سر متهم و یا انتقال وی به اماکن نامعلوم توسط ضابطان دادگستری در جریان بازجویی؛ پ. اجتناب از بازرسی و تفتیش اسناد و اشیاء غیرمرتبط با بزه انتسابی و یا متعلق به ثالث و همچنین اجتناب از افشای محتوا و مضمون اسناد،

1. Bodily privacy
2. Communication privacy
3. Information Privacy
4. Territorial privacy

۵. حریم خصوصی جسمانی در مورد حمایت از تمامیت جسمانی و اطلاعات مربوط به سلامتی انسان است. حریم خصوصی ارتباطات، حق اشخاص در امنیت و محرمانه باقی ماندن محتوای کلیه اشکال و صور مراسلات و مخابرات متعلق به ایشان است. حریم خصوصی اطلاعات، مصون بودن داده‌های مربوط به حوزه‌ای از زندگی انسان‌ها است که نوع بشر انتظار دارد، سایرین بدون اجازه وی به آن‌ها دسترسی نیافته و آن‌ها را مورد پردازش قرار ندهند. حریم خصوصی اماکن هم به معنای در امان ماندن خانه و مکان‌های خصوصی اشخاص از هرگونه تعرض است.

نوشته‌ها، تصاویر و فیلم‌های خانوادگی متهمان و محکومان و یا ذخیره‌سازی و تهیه نسخه از آن‌ها؛ مگر به دستور قضایی و در راستای کشف بزه انتسابی».

### ۳. اصل فایده‌مندی اجرای احکام کیفری

اهداف و مبانی مجازات‌ها و اجرای آرای کیفری را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ یکی دیدگاه وظیفه‌گرا (گذشته‌نگر) و دیگری، دیدگاه غایت‌گرا (آینده‌نگر). براساس رویکرد وظیفه‌گرا، مبنای کیفردهی و اجرای آن، اجرای عدالت و سزادهی مجرم به دلیل رفتار خلاف قانون پیشین او است. اما طبق رویکرد غایت‌گرا، مبنای کیفردهی و اجرای آن سودمندی است که از اجرای کیفر برای فرد و جامعه حاصل می‌شود که همان کاهش آمار جرایم است.

امروزه، هدف از اجرای مجازات‌ها و تحمیل درد و رنج بر مجرم تغییر کرده و رنگ و بوی اصلاحی، ارشادی و تربیتی به خود گرفته است. به اقتضای این تغییر در هدف و رسالت حقوق کیفری، در ساختار و شیوه اجرای مجازات‌ها نیز تغییر ایجاد شده و به سمت فایده‌مندی حرکت شده است؛ گستره آرای کیفری وسیع‌تر شده و علاوه بر کیفرهای سنتی، مجازات‌های اجتماعی و نهادهای اصلاحی - ارفاقی را نیز شامل می‌شود؛ قاضی مخصوص اجرای مجازات و مجریان با دانش و تخصص ایجاد شده‌اند؛ جرم‌شناسی بالینی، با یاری گرفتن از یافته‌های علوم مختلف و مداخله در نحوه اجرای آرای کیفری، در پی پیشگیری از بزه‌کاری و تکرار جرایم برآمده و در این راه، موفقیت‌های زیادی نیز حاصل شده است و زندان‌های با دخمه‌های تنگ و تاریک و فاقد هرگونه امکانات رفاهی و بهداشتی، به ساختمان‌های مجهز و مهیا با امکانات ضروری فردی تبدیل شده‌اند.

بند ۳ ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد نحوه رفتار با زندانیان به‌عنوان رایج‌ترین مجازات که گستره وسیعی از محکومیت‌های کیفری را شامل می‌شود، مقرر داشته که رژیم اجرای مجازات نباید به گونه‌ای باشد که از هدف آن دور شود. ماده ۷۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز بر این امر تأکید و بیان می‌دارد اجرای کیفرها با رعایت منافع جامعه و حقوق بزه‌دیدگان، باید اهداف بازپروری محکومان و پیشگیری از تکرار جرم را دنبال کند. به همین دلیل امکان تغییر و اصلاح کیفر در جریان اجرای آن نیز وجود دارد.

در حقوق داخلی، بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه را پیشگیری از وقوع بزه و اصلاح بزه‌کاران دانسته است. همچنین بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ بر وظیفه پیشگیری از وقوع جرم این نیرو تصریح دارد. براساس قانون ۶ ماده‌ای پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی پیشگیری از جرم با عضویت ۲۳ مقام دولتی و بدون حضور نهادهای جامعه‌ی ایجاد و وظایف مختلفی را در زمینه

پیشگیری و اصلاح بر عهده گرفته است (جهانی و بازوند، ۱۳۹۶: ۷۲). جدای از بحث مدیریت پیشگیری از جرم و لزوم چند نهادی بودن آن، باید گفت یکی از میدان‌گاه‌های اصلی سیاست پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان، مرحله اجرای مجازات است. قانون‌گذار ایران به این مهم توجه داشته و اکنون، سیاست جنایی اصلی خود را بر اصلاح و درمان بزه‌کاران متمرکز نموده است. چنان‌که یکی از شروط اعطای نهادهای ارفاقی به محکومان را پیش‌بینی اصلاح آنان دانسته است. برای مثال، براساس ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی، شرط اساسی بهره‌مندی محکوم از نهاد معافیت از کیفر، آن است که «دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود». ماده ۴۰ یکی از شروط تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات را «پیش‌بینی اصلاح مرتکب» قرار داده است و ماده ۵۸ این قانون، یکی از شروط اعطای آزادی مشروط به محکومان را آن دانسته است که «حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد». دیگر آن‌که با توجه به وضعیت اطفال و نوجوانان معارض با قانون و پیش‌بینی اصلاح آن‌ها، دادگاه می‌تواند در تصمیمات قبلی خود تجدید نظر نماید<sup>۱</sup>. همچنین یکی از ضوابط تعیین مجازات‌های تعزیری، «سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی» تعیین شده است<sup>۲</sup>. پیش‌بینی مجازات‌های تکمیلی و تخفیف و تشدید در مجازات‌ها نیز از دیگر نهادهای حقوق کیفری متأثر از رویکرد اصلاح و درمان محسوب می‌شود.

#### ۴. اصل سرعت در اجرای احکام کیفری

یکی از اصول دادرسی منصفانه، اصل سرعت در رسیدگی‌های کیفری یا در نگاهی نوین‌تر، رسیدگی در مدت زمان معقول است. این اصل، بر همه فرایندهای دادرسی کیفری و از جمله مرحله اجرای احکام، حاکم است. به سخنی «تأخیر در اجرای عدالت، انکار عدالت است»<sup>۳</sup> و به‌واقع از یک سو، اصل بنیادین برائت یا فرض بی‌گناهی، هنگامی به درستی اجرا خواهد شد که گناه کار بودن یا بزه‌کار شناخته شدن شهروندان به سرعت احراز شود و از دیگر سو، رسیدگی و اجرای عدالت کیفری در مدت زمان مناسب و معقول، یک سنگ محک جدی برای سنجش کارایی یک نظام قضایی است. به دیگر بیان، سیستم عدالت کیفری باید هم در زمینه صدور حکم بی‌گناهی اشخاص و هم در زمینه صدور حکم کیفر بزه‌کاران سرعت عمل داشته باشد. البته اصل سرعت، نافی اصل دقت در رسیدگی‌ها نیست و این دو، در کنار هم مورد تأکید هستند.

به هر روی، یکی از آموزه‌های جرم‌شناسان و اندیشمندان حقوق کیفری، اجرای سریع پاسخ‌های

۱. ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی

۲. ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی

جامعه به پدیده مجرمانه است. چه بسا بتوان گفت اجرای اصل سرعت در مرحله اجرای احکام کیفری، بیشتر از سایر مراحل دادرسی اهمیت دارد؛ زیرا عدم رعایت سرعت در مراحل تعقیب، تحقیق و دادرسی می‌تواند به اجرای عدالت لطمه وارد کند؛ اما در مرحله اجرای احکام، عدم اجرای سریع کیفر می‌تواند به معنای عدم اجرای عدالت باشد بنابراین، ساختار و شیوه اجرای احکام کیفری باید در خدمت اصل سرعت باشند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این اصل را به صراحت مورد پذیرش قرار داده است. طبق ماده ۳ این قانون، مراجع قضایی باید به سرعت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به اتهام اشخاص رسیدگی نمایند و از هر اقدامی که موجب طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری گردد، جلوگیری کنند. ماده ۴۹۴ همان قانون در حکمی صریح‌تر بیان می‌دارد اجرای رأی کیفری با دستور قاضی اجرای احکام آغاز می‌شود و جز در موارد قانونی به هیچ‌وجه متوقف نخواهد شد. ماده ۷۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در همین زمینه مقرر می‌دارد: «... مجازات‌های قضایی مراجع کیفری...، به روشی موثر و در بهترین مدت به اجرا در می‌آید».

سرعت بخشیدن به اجرای احکام کیفری از راه‌های گوناگون امکان‌پذیر است. از جمله این راهکارها می‌توان به وجود امکانات و تجهیزات لازم در نهاد اجرا و برای کنشگران اجرا، استفاده از نیروی انسانی کافی و متخصص، تخصصی کردن اجرای احکام و حذف قوانین و آیین‌نامه‌های موازی و بعضاً متعارض اشاره نمود. امروزه بهره‌مندی از فناوری‌های نوین به منظور سرعت بخشیدن به روند اجرا بسیار ضروری و مؤثر به نظر می‌رسد. ابلاغ‌های الکترونیک، شناسایی اموال محکومان در بسترهای الکترونیک، برگزاری جلسات اجرا به صورت ویدئو کنفرانس، ارتباط قضات و مقامات اجرای حکم با زندان‌ها و زندانیان از طریق ویدئو کنفرانس به صورت مستمر، الکترونیکی کردن پرونده‌های اجرا و... می‌تواند نقش مهمی در تسریع اجرای احکام کیفری داشته باشد. همچنین فراهم آوردن امکانات و لوازم مناسب و محیط و فضای شایسته جهت انجام امور قضایی و اداری اجرای احکام، علاوه بر حفظ شأن و منزلت دستگاه قضایی، موجب انجام هرچه بهتر و دقیق‌تر وظایف مقامات اجرای احکام و در نهایت تسریع در دادرسی خواهد شد (درخشان، ۱۳۸۷: ۶۸).

دیگر آن‌که فقدان یا کمبود نیروی انسانی مورد نیاز و شاغل در اجرای احکام، اعم از قضات و کارمندان و همچنین کمبود نیروی انسانی در نهادهای مرتبط با اجرای حکم، همچون زندان‌ها، در مقام عمل می‌تواند یکی از موجبات طولانی شدن مرحله اجرای مجازات‌ها باشد. اصولاً دادسرا و معاونت اجرای احکام کیفری، بیشترین تراکم در پرونده‌ها و مراجعه‌کنندگان به دادگستری‌ها را دارد و کمبود نیروی انسانی متخصص در این بخش، نتیجه‌ای جز انباشت پرونده‌های اجرا، پایین آمدن کیفیت اجرا و اطلاع آن نخواهد داشت. بنابراین استخدام و انتصاب قاضی، مأمور و کارمند اجرا به اندازه کافی، می‌تواند موجب سرعت بخشیدن به مرحله اجرای احکام گردد.

دیگر عامل مؤثر بر تسریع در اجرای احکام کیفری، وضعیت مناسب معیشتی نیروها و مقامات اجرای حکم است. گفته شد که این مرحله از دادرسی، به سان چیدن میوه از درخت عدالت کیفری است و اهمیت و حساسیت آن بر همگان روشن است. از این رو، فراهم کردن رفاه نسبی دست‌اندرکاران اجرای احکام که موجب آرامش مادی، روحی و روانی این اشخاص می‌شود، تأثیر مستقیمی بر سرعت و کیفیت اجرای احکام خواهد داشت. دیگر سخن، حجم گسترده کار و به تبع آن، آسیب‌های روحی و روانی ناشی از آن، باعث کاهش توان و روحیه این افراد می‌شود؛ بنابراین ضروری است که از نظر مادی و معنوی امکانات مطلوب و گسترده‌ای برای کنشگران اجرای احکام کیفری فراهم شود. بی‌شک وضعیت موجود کشور ما در این زمینه، با نقطه ایده‌آل، فاصله‌های فراوانی دارد.

راهکار دیگر تسریع در اجرای احکام کیفری، تخصصی کردن آن است. امری که مورد قبول قانون‌گذار نیز قرار گرفته است.<sup>۱</sup> تخصصی کردن مراجع قضایی از جمله اجرای احکام، موجب مهارت بیشتر قضات و کارمندان در یک زمینه خاص می‌شود. در حالی که عمومی بودن و عدم تخصص، موجب سطحی بودن اقدامات و کند شدن روند اجرای احکام خواهد شد.

فاصله زمانی طولانی بین ارتکاب جرم، رسیدگی کیفری و اجرای کیفر، با یکی از مهم‌ترین اهداف کیفرها که پیشگیری و بازدارندگی است، مغایرت دارد. آن‌گاه که بین ارتکاب جرم تا اجرای مجازات فاصله افتد، عموم شهروندان که هیچ‌چیز حتی گناه درک علت تحمل مجازات برای خود مجرم نیز آسان نخواهد بود. همچنین در این فرض با فراموشی جرم ارتكابی در اذهان عمومی، هم دیگر اجرای مجازات ناعادلانه به نظر می‌رسد و هم مشوق بزه‌کاران بالقوه در ارتکاب جرم خواهد بود. از این رو، اثر بازدارندگی عام و خاص مجازات‌ها، وابسته به دو متغیر قطعیت و سرعت در اجرای آن است؛ به طوری که اگر نهاد کیفر در نظر شهروندان، همچون یک ببر کاغذی باشد، دیگر از مفهوم و معنای اصلی خود خالی شده و بازدارندگی آن‌چنانی نخواهد داشت (دادبان و آقایی، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

بنابراین اصل سرعت در اجرای احکام کیفری به‌عنوان یکی از اصول بنیادین دادرسی عادلانه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین حقوق محکومان و پیشگیری از نقض نظام‌مند آن دارد. تأخیر غیرموجه در اجرای حکم، علاوه بر تضعیف اثر بازدارندگی مجازات، می‌تواند موجب بلاتکلیفی محکوم، تشدید آسیب‌های روانی و اجتماعی و نقض کرامت انسانی وی شود. اجرای سریع و به موقع احکام، ضمن تحقق قطعیت و اعتبار تصمیمات قضایی، اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری را تقویت کرده و از

۱. تبصره ۱ ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «معاونت اجرای احکام کیفری، می‌تواند در صورت ضرورت دارای واحد یا واحدهای تخصصی برای اجرای احکام باشد».

بروز رفتارهای سلیقه‌ای و سوءاستفاده‌های اداری در مرحله اجرا جلوگیری می‌کند. از این رو، رعایت اصل سرعت در اجرای احکام کیفری نه تنها تضمین‌کننده کارآمدی نظام کیفری است، بلکه به‌عنوان ابزاری مؤثر در پیشگیری از نقض ساختاری حقوق محکومان، جایگاهی اساسی در نظام حقوقی دارد.

### نتیجه‌گیری

در نظام عدالت کیفری معاصر، مرحله اجرای احکام کیفری به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین حلقه‌های زنجیره عدالت شناخته می‌شود. این مرحله، عرصه مواجهه‌ی مستقیم میان اقتدار حاکمیتی و حقوق بنیادین محکومان است و از این رو، رعایت اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری نه صرفاً یک الزام قانونی، بلکه ضرورتی از منظر کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری در پیشگیری از نقض نظام‌مند حقوق محکومان تلقی می‌گردد.

اصل قانون‌مندی، با الزام نهادهای مجری به تبعیت از ضوابط صریح و مدون، از تصمیمات سلیقه‌ای و رفتارهای خودسرانه جلوگیری می‌کند و از این طریق شفافیت و پاسخ‌گویی نهادی را تقویت می‌نماید. در مقابل، هرگونه ابهام یا خلأ در قوانین اجرایی می‌تواند به بروز رفتارهای غیرقانونی یا سوءاستفاده از اختیارات منجر شود و زمینه‌ساز بی‌نظمی و فساد اداری گردد. بنابراین، استقرار نظام دقیق قانون‌گذاری و نظارت بر نحوه اجرای احکام، نخستین گام در راستای تحقق دادرسی منصفانه در این مرحله است. اصل کرامت‌مداری نیز از منظر جرم‌شناسی، نقشی بنیادین در جلوگیری از بازتولید رفتارهای مجرمانه دارد. زمانی که اجرای حکم بر مبنای احترام به کرامت انسانی و موازین حقوق بشری صورت گیرد، پیام عدالت برای محکوم نه به‌عنوان انتقام، بلکه به‌عنوان اصلاح و بازپذیری اجتماعی ادراک می‌شود. در مقابل، اعمال مجازات‌های تحقیرآمیز، شرایط غیرانسانی زندان یا نقض حریم خصوصی محکومان، نه تنها اثر اصلاحی مجازات را از بین می‌برد، بلکه احساس بی‌عدالتی و خصومت نسبت به نظام قضایی را در میان مجرمان تقویت می‌کند. این امر در نهایت می‌تواند چرخه بازگشت به جرم را تداوم بخشد و اهداف بازدارنده عدالت کیفری را خنثی سازد.

از سوی دیگر، اصل فردی‌سازی مجازات‌ها در اجرای احکام، ابزاری مهم برای کاهش انحرافات نهادی محسوب می‌شود. این اصل اقتضا می‌کند که در اجرای مجازات، ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی، سابقه کیفری و ظرفیت بازپروری هر محکوم مورد توجه قرار گیرد. اجرای یکسان و مکانیکی مجازات‌ها بدون در نظر گرفتن تمایزهای فردی، زمینه بروز تصمیمات غیرعادلانه و واکنش‌های نهادی ناصواب را فراهم می‌سازد. در این راستا، جرم‌شناسی جدید با تأکید بر رویکردهای بازپرورانه، پیشنهاد می‌کند که مأموران و نهادهای مجری حکم، آموزش‌های لازم را در زمینه روان‌شناسی کیفری و مدیریت رفتار مجرم دریافت کنند تا بتوانند اجرای حکم را با هدف

اصلاح و بازپذیری هدایت نمایند، نه صرفاً اعمال قهر و مجازات. اصول فایده‌مندی و سرعت در اجرای احکام نیز از دیدگاه کارآمدی نهادی، از جایگاهی مهم برخوردارند. تأخیر در اجرای احکام، علاوه بر تضعیف اعتماد عمومی به عدالت، موجب افزایش هزینه‌های اداری، ازدحام در نظام زندان‌ها و احساس بلا تکلیفی محکومان می‌گردد. در مقابل، اجرای شتاب‌زده بدون رعایت تشریفات و ملاحظات انسانی، به نقض حقوق محکومان و تخریب وجهه عدالت منجر می‌شود. بنابراین، نظام اجرای احکام باید میان دو ارزش سرعت و دقت تعادل برقرار سازد؛ به گونه‌ای که اجرای حکم ضمن حفظ نظم و قطعیت، با رعایت حق اعتراض، بازبینی و موازن انسانی همراه باشد.

از منظر جرم‌شناسی نهادی، بی‌توجهی به رعایت اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری، به‌طور مستقیم با بروز انحرافات سازمانی، سوءرفتار مأموران، تبعیض در برخورد با محکومان و فساد اداری ارتباط دارد. زمانی که مجریان قانون فاقد چارچوب‌های اخلاقی، نظارتی و قانونی شفاف باشند، اجرای احکام به ابزاری برای تحمیل قدرت و انتقام بدل می‌شود، نه وسیله‌ای برای احقاق عدالت. در چنین شرایطی، نه تنها کرامت انسانی محکومان نقض می‌گردد، بلکه اعتماد عمومی نسبت به عدالت قضایی نیز به شدت تضعیف می‌شود. این بی‌اعتمادی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در سطوح اجتماعی، از جمله کاهش همکاری شهروندان با نهادهای عدالت‌محور، گسترش احساس بی‌عدالتی و در نهایت افزایش گرایش‌های ضدقانونی به دنبال داشته باشد. تحلیل جرم‌شناختی نشان می‌دهد که اجرای عادلانه احکام کیفری، نقشی بازدارنده در بروز «جرایم سازمانی درون نظام عدالت کیفری» دارد. یعنی همان‌گونه که قوانین برای کنترل بزهکاران جامعه وضع می‌شوند، اصول دادرسی منصفانه در مرحله اجرا، برای کنترل بزهکاری نهادی درون دستگاه عدالت وضع می‌گردند. هر اندازه این اصول جدی‌تر رعایت شوند، احتمال شکل‌گیری رفتارهای مغایر با عدالت از سوی مجریان قانون کاهش می‌یابد. این امر نوعی «پیشگیری ثانویه» از انحرافات درون‌سیستمی محسوب می‌شود که به حفظ سلامت ساختار قضایی و انتظامی کمک می‌کند. از منظر نظری، پیوند میان رعایت اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری و پیشگیری از نقض نظام‌مند حقوق محکومان را می‌توان در قالب نظریه‌های عدالت ترمیمی، کنترل اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای تحلیل کرد. نظریه عدالت ترمیمی تأکید دارد که اجرای حکم باید به بازسازی روابط آسیب‌دیده میان بزهکار، بزه‌دیده و جامعه بینجامد. هنگامی که اجرای حکم با احترام به کرامت انسانی و رعایت انصاف صورت می‌گیرد، این بازسازی امکان‌پذیر می‌شود. نظریه کنترل اجتماعی نیز نشان می‌دهد که نهادهای مجری حکم، زمانی از انحراف مصون می‌مانند که تحت نظارت مؤثر و پاسخ‌گویی عمومی عمل کنند. همچنین، در چارچوب اخلاق حرفه‌ای، رعایت انصاف، کرامت و قانون‌مداری در اجرای احکام، بخشی از تعهد نهادی کارکنان دستگاه قضایی محسوب می‌شود.

در نهایت می‌توان گفت پایبندی به اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری، نه تنها ضامن تحقق عدالت قضایی است، بلکه به‌عنوان عاملی پیشگیرانه، موجب کاهش نقض نظام‌مند حقوق محکومان، افزایش مشروعیت نظام کیفری و تقویت اعتماد اجتماعی به عدالت می‌گردد.

### پیشنهادها

برای تحقق عملی اصول حاکم بر اجرای احکام کیفری، در وهله نخست، ضروری است آموزش تخصصی و مستمر برای مأموران اجرای احکام در زمینه اخلاق حرفه‌ای، کرامت انسانی و حقوق محکومان تدوین و اجرا گردد. دوم، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل بر عملکرد مجریان احکام، با اختیارات قانونی برای بررسی شکایات و گزارش‌های مردمی، می‌تواند از بروز نقض نظام‌مند حقوق محکومان پیشگیری کند. سوم، بازنگری در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی با هدف شفاف‌سازی فرایندها و حذف خلأهای قانونی ضروری است تا زمینه تفسیر سلیقه‌ای از قانون از بین برود. چهارم، استفاده از فناوری‌های نوین نظارتی (مانند سامانه‌های ثبت دیجیتال اجرای حکم) به ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی کمک می‌کند. نهایتاً، باید کرامت‌مداری به‌عنوان شاخص کلیدی در ارزیابی عملکرد نهادهای مجری حکم لحاظ گردد تا عدالت نه صرفاً به‌عنوان یک اصل حقوقی، بلکه به‌مثابه یک فرهنگ سازمانی و ارزش انسانی در سراسر نظام کیفری جاری شود.

### کتابنامه

- اختری، عباس؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۸). جایگاه حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷ (۲۶).
- امیری، مهدی؛ رضوانی، احمد؛ گلدوزیان، ایرج؛ صلاحی، سهراب (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی جایگاه نهاد اجرای احکام در نظام کیفری ایران، فرانسه و انگلستان. مجله حقوق تطبیقی، ۹ (۲).
- انصاری، باقر (۱۴۰۳). حقوق حریم خصوصی. ایران، تهران: سمت.
- پورحسینی، محمدجواد؛ قریشی، سیدمهدی؛ جوادی، محمدحسن (۱۳۹۶). بررسی اجرای علنی مجازات‌ها از منظر علم کیفرشناسی و آراء فقهاء. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۸ (۴۵).
- تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۴). اصول و قواعد حاکم بر مجازات‌ها. ایران، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- جهانی، بهزاد؛ بازوند، مصطفی (۱۳۹۶). پیوند دادرسی عادلانه و پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات حقوقی انتظامی، ۲ (۶).
- چاووشی، محمدصادق؛ کرامتی معز، هادی (۱۳۹۷). عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و

نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام. پژوهش‌های اخلاقی، ۹ (۲).

خالقی، علی (۱۳۹۶). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. ایران، تهران: شهردانش.

زراعت، عباس؛ چاووشی، محمدصادق؛ کرامتی معز، هادی (۱۳۹۸). سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم ارتكابی علیه ناتوانان و حمایت‌های کیفری؛ قضایی و فراقضایی افتراقی از آنان. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۰ (۴۹).

زهروی، رضا؛ سرگردان مغاللو، زینب (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی حریم خصوصی زندانیان؛ ابعاد، آثار و شاخص‌ها. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۴ (۸۶).

شجاعی، فاطمه (۱۳۹۴). حقوق شهروندی مجرمان پس از دوران محکومیت. ایران، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

شیری، عباس (۱۳۹۷). حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۳ (۸۱).

دادبان، حسن؛ آقایی، سارا (۱۳۸۸). بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران (مجله حقوقی سابق)، ۳۹ (۳).

درخشان، محمدرضا (۱۳۸۷). اصل تسریع در رسیدگی کیفری در حقوق ایران و انگلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری. ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

زهروی، رضا؛ سرگردان مغاللو، زینب (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی حریم خصوصی زندانیان؛ ابعاد، آثار و شاخص‌ها. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۴ (۸۶).

کرامتی معز، هادی (۱۴۰۳). جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی). ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کویل، اندرو (۱۳۸۴). رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان. ترجمه حسن طفرانگار، ایران، تهران: نشر وفاق.

محسنی، فرید (۱۳۹۴). حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفری در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه). ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

میلانی، علیرضا (۱۳۸۶). نگرشی بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها. ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

Moller, Lars; Stover, Heino; Jurgens, Ralf; Gatherer, Alex; Nikogosian, Haik, eds. (2007). *Health in prisons: a WHO guide to the essentials in prison health*. Copenhagen: World Health Organization .